

داستان‌های دور به ما نزدیک

زیتا ملکی

نوجوانی که اتفاقات کوچک متأثرش می‌کند، مشکلات را بزرگ می‌بیند و هنوز به مانند یک جوان قوی نشده است. اغلب قصه‌های این کتاب نیز به زبان ساده و صمیمی نوجوانان نوشته شده‌اند:

«مسئله این نبود که بترسیم ما را جادو جمبل کند. مسئله این بود که سربه‌سر گذاشتن آن‌ها فایده‌ای نداشت.»
«پدر آمد دم اتاقم صدا زد: خالهریزه! توی دستش یک توپ سفید با خال‌های آبی بود... از شدت گریه، دل‌دل می‌زدم. گفتم: نه، بروید بیرون.»

می‌بینید که اتفاقات این داستان‌ها

متعلق به دوره نوجوانی‌اند و مخاطب جوان تنها با یادآوری خاطرات گذشته‌اش قادر به لمس این حوادث است. درون‌مایه داستان‌ها (آزار رساندن بچه‌های بزرگ‌تر به بچه‌های کوچک‌تر، مرگ مادر، نادیده گرفته شدن از سوی والدین و همکلاسی‌ها و...) نیز تأیید دیگری بر این است که مخاطب این کتاب، به طور دقیق‌تر نوجوانان‌اند، نه جوانان.

داستان‌های کتاب فرمی ساده دارند. قصه‌سرایی نویسندگان، داستان‌ها را از یک سرگذشت‌نامه ساده، به سمت و سوی ادبیات داستانی سوق می‌دهد. هر یک از این داستان‌ها خط داستانی مشخصی دارند و صرفاً بیانگر مجموعه‌ای از اتفاقات و حوادث دوره کودکی نویسنده نیستند.

از زبان ساده کتاب صحبت شد. باید بگوییم که این زبان بی‌تکلف یکی از ویژگی‌های ارزشمند داستان‌های پرواز است و به نظر می‌رسد این زبان بتواند ارتباط مناسبی میان مخاطب و داستان‌ها برقرار کند.

در پایان گفتنی است که داستان‌ها به سال‌های نسبتاً دور تعلق دارند. بعضی از آن‌ها در جنگ جهانی دوم یا پنجاه سال پیش اتفاق می‌افتند. از این نظر فضای داستان‌ها چندان امروزی نیست. در نتیجه، هنگامی که بخش‌هایی از کتاب به اوضاع و احوال روز (مثلاً ترسیم محله هارلم) می‌پردازد، ماجرا برای خواننده گنگ، انتزاعی و حتی کسل‌کننده می‌شود. هر چند که در نهایت مجموعه داستان پرواز به خاطر نقاط قوت‌اش، کتابی است خواندنی، برای سال‌های نزدیک!



پرواز و چند داستان دیگر. ایمی اهرلیج. ترجمه علی خزائی‌فر و مینا روان‌سالار. تهران: نشر چشمه - کتاب باران. ۱۳۸۷. ۱۵۸ ص. ۳۰۰۰۰ ریال.

همیشه وقتی خواندن یک کتاب نوجوان ترجمه شده را شروع می‌کنم، از خودم می‌پرسم: «آیا این کتاب گذشته از خواندنی بودن یا نبودن، حرف مهمی در سینه‌اش دارد یا نه؟» منظورم به هیچ‌وجه ر اهنمایی‌های معلم‌مآبانه یا

نصیحت‌های مستقیم و «بکن نکن»‌های تربیتی نیست. مقصودم آن چیزی است که ذهن مخاطب را درگیر کند و بر زندگی او تأثیر بگذارد.

همه این‌ها را گفتم تا برسم به کتاب پرواز و چند داستان دیگر. باید بگویم که این کتاب تا حدود زیادی موفق به برآوردن توقعی که از آن گفتم شده است. مخاطب نوجوان بیش از همه در داستان‌های «همه‌چیز درست می‌شود»، «دلیل آن که هیچ‌گاه از خانه فرار نکردم» و «لج‌بازی» با متن ارتباط برقرار می‌کند و پیام مورد نظر نویسنده با این ارتباط حسی و نیز موضوعی به او منتقل می‌شود. نوجوان مخاطب کتاب، خود را در اتفاقات داستان‌ها - اتفاقاتی که خود در زندگی‌اش بارها تجربه کرده - می‌بیند و از داستان‌هایی که روایتگر موضوعی حسی - عاطفی هستند (مثل از دست دادن یک دوست یا همبازی در داستان توپک یا والدین آبی)، متأثر می‌شود.

پرواز و چند داستان دیگر حاصل کار «ایمی اهرلیج است. در واقع او نقش گردآورنده را دارد، نه نویسنده (نکته‌ای که روی جلد به آن اشاره نشده و تنها در پشت جلد به چگونگی گردآوری و جمع‌آوری داستان‌ها پی می‌بریم). اهرلیج در تدوین این کتاب به ده نویسنده کودک و نوجوان برای نوشتن داستان کودکی‌شان سفارش کار می‌دهد و نتیجه‌اش می‌شود کتاب پرواز که اینک ترجمه فارسی آن در مجموعه کتاب‌های باران (کتاب جوانان نشر چشمه) به چاپ رسیده است. البته به نظر می‌رسد در تعیین گروه مخاطبان این کتاب، دقت چندانی صورت نگرفته است. داستان‌های این کتاب، عموماً کالبد و روحی نوجوانانه دارند و در تمامشان راوی یا قهرمان نوجوان است.